

## ترجمه و تفسیرهای وراودی در فهرست چارلز استاری

عبد المنان نصرالدین خجندی\*

### چکیده

ترجمه و تفسیرهای وراودی در فهرست چارلز استاری در مقاله جایگاه  
به و تفاسیر و دیگر کتب قرآنی در آسیای مرکزی بر مبنای فهرست دانشمند  
سی چارلز استاری (نشر لندن، ۱۹۲۷ و مسکو، ۱۹۷۲) تحقیق و بررسی شده  
است. جلد اول فهرست چ. استاری با نام «کتب قرآنی» به طبع رسیده است که به  
کتاب جامع او «ادبیات فارسی» منسوب است. در مقاله سبب‌های توجه چ. استاری  
به کتب قرآنی معین کرده شده است و اهم ترجمه‌ها و تفسیرهای نوشته شده در  
آسیای مرکزی فهرست‌وار با توضیحات ضروری ذکر گردیده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** تفسیر، ترجمه‌های قرآنی، فهرست‌واره‌ی استاری،

ایران شرقی، حوزه‌های قرآن‌پژوهی، انواع تفسیر، تجوید، رسم‌الخط قرآن

دانشمند نامور انگلیسی چارلز استاری (Чорлз Стори)

(۱۸۸۸-۱۹۶۷)، که سال ۱۹۲۷ اولین جلد فهرست معروف خود را با عنوان

«کتب قرآنی» در لندن به طبع رسانید، در شناسایی و انتشار ترجمه و

---

\* پروفیسور، دکترای علوم فیلولوژی، استاد دانشگاه دولتی خجندی

تفسیرهای «قرآن کریم» خدمت شایسته‌ای به انجام رساند و با این کتاب خویش برای رواج و رونق قرآن‌پژوهی زمینه‌ی مساعدی فراهم آورد.

فهرست چ. استاری با عنوان «ادبیات فارسی»

(Persian literature, a biobibliographical survey)

نمره‌ی زحمت‌های پیوسته‌ی این دانشمند صاحب نظر می‌باشد. سال‌های ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۹، ۱۹۵۳ و ۱۹۵۸ باز پنج جلد این کتاب به زیور طبع آراسته شده‌اند. مؤلف فهرست، ارزش و اهمیت ویژه‌ی ترجمه و تفسیر و دیگر کتب قرآنی را در فرهنگ اسلامی خوب می‌دانست، از این خاطر جلد اول کتابش را **Qur'anic literature** موسوم کرد و در آن بیشتر از صد و بیست ترجمه و تفسیر «قرآن کریم» را به زبان فارسی برای علاقه‌مندان آشنا ساخت.

معلوم است که تعداد ترجمه و تفسیرهای فارسی به درجات بیشتر از آن فهرستی است که چ. استاری مرتب ساخته بود. اما نباید فراموش کرد که فضل تقدم در اختیار اوست. او اولین بار همه‌ی ترجمه و تفسیرهای فارسی محفوظ در گنجینه‌های شرقی آکسفورد و کمبریج را با دقت تمام آموخته، در خصوص ارزش و اهمیت آنها اطلاعات سودمندی فراهم آورد.

دانش خوب و آگاهی از زبان‌های عربی، فارسی و دیگر زبان‌های اقوام شرقی و غربی به او امکان دادند که با گنجینه‌ی نسخه‌های خطی کشورهای دیگر نیز آشنایی عمیق پیدا نماید و حاصل آن را در تألیفات سودمند خویش مندرج سازد.

سفرهای چ. استاری به کشورهای شرقی، به ویژه همکاری با دانشگاه

علیگره هند (Anglo-Mohammadan Oriental College)، که در آن‌جا به حیث معلم زبان عربی ادای وظیفه می‌کرد، باعث آشنایی بیشتر او با نسخه‌های نفیس خطی گردید.

یک نکته‌ی مهم دیگر را باید تذکر داد که چ. استاری از سال ۱۹۱۹ تا سال ۱۹۲۷ به حیث جانشین رئیس کتابخانه دیوان هند (India Office) ایفای وظیفه کرده است، سال ۱۹۲۷ از جانب دولت انگلیس او را رئیس این کتابخانه تعیین کردند. در آن زمان و بعداً نیز او با ایران‌شناسان معروف اروپا رینولد نیکلسون، هلموت ریتر، و ایوانف، ف. توار (Ф. Таяр)، ولادیمیر مینورسکی، دنیسون راس و دیگران ارتباط دوستی و همکاری برقرار کرد. دانشمندان نامبرشده چ. استاری را برای تألیف فهرست کتاب‌های خطی فارسی و در صدر آن‌ها تفسیر و ترجمه‌های قرآنی تشویق می‌کردند و چون هر بخش آن به انجام می‌رسید، برای تکمیل فهرست، مصلحت [مشورت]‌های سودمند خویش را دریغ نمی‌داشتند. این نکته را خود چ. استاری در پیشگفتار مجلدات فهرستش یادآور شده است.

فهرست چ. استاری مورد استفاده همه علاقه‌مندان به ویژه دانشمندان فن فهرست نگاری قرار گرفت و ارزشمندی آن را همواره تأکید کرده‌اند. اولین نقد به فهرست چ. استاری سال ۱۹۲۸ در نشریه‌ی «Orientalistische literaturzeitung» (ش ۱۲، صص. ۱۱۲۱-۱۱۲۷) به زبان آلمانی به طبع رسید که به قلم ایران‌شناس معروف هلموت ریتر تعلق داشت. هلموت ریتر نوشته بود که این فهرست از جمله کارهای نادر و ارزشمند خاورشناسی غربی می‌باشد.

فهرست چ. استاری سال ۱۹۷۲ در سه مجلد در مسکو به زبان روسی ترجمه و چاپ شده است. نکته‌ی قابل تذکر آن است که فهرست را بریگل (Ю.Э.Брегел) با تکمله و ویرایش جدید به طبع رسانید. بریگل سعی کرده است، آن‌چه ایران‌شناسان در دوام سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۷۲ در فنّ فهرست‌نگاری و کتاب‌شناسی به دست آورده‌اند، در ویرایش و تکمیل مورد استفاده قرار دهد.

راقم سطرها به هنگام تألیف این مقاله از همین نشر تکمیل‌یافته فهرست چ. استاری استفاده کرده است.

فهرست چ. استاری در معرفی کتب قرآنی به زبان فارسی تا امروز ارزش خود را حفظ کرده است. دلیل این نتیجه‌گیری آن خواهد بود که مؤلفان فهرست‌واره‌های جامع که بعداً تألیف شده‌اند، بسیاری از نکات «کتب قرآنی» را از کتاب چ. استاری در فهرست خود نقل کرده‌اند.

در روزگار ما فهرست‌های کامل و جامع «قرآن کریم» به مانند «کتابنامه‌ی بزرگ قرآن کریم» تألیف شیخ محمدحسن بکایی<sup>۱</sup> به میان آمدند که به همه‌ی نیازهای قرآن‌پژوهان پاسخ می‌دهند. اما در همین مورد نیز خدمات بی‌سابقه‌ی دانشمندان فداکاری که دوستدار قرآن و ادبیات فارسی بودند، فراموش نخواهد شد.

«کتب قرآنی» منسوب به چ. استاری در نشر مسکو دارای ۱۷۷ صفحه می‌باشد (جلد اوّل صفحات ۹۹-۲۷۶). بریگل در جلد سوم باز ۶۵ صفحه اطلاعات تازه را بر آن افزوده است.<sup>۲</sup> چ. استاری کتب قرآنی تألیف شده به زبان فارسی را در هفت فصل بررسی و معرفی کرده است. فصل‌های

هفت‌گانه او بدین ترتیبند:

۱. ترجمه و تفسیرها
۲. فرهنگ نامه‌های قرآنی
۳. کتب منسوب به تجوید و قرائت
۴. رسم‌الخط قرآن
۵. خواص قرآن (تأثیر سحرانگیز قرآن)
۶. فالنامه‌ی قرآنی
۷. کتاب و رسالات متفرقه قرآنی

در «کتب قرآنی» چ. استاری ۱۹ نامگوی [عنوان] ترجمه و تفسیر و ۲۶ نامگوی کتب گوناگون قرآنی شرح و بیان شده‌اند که به قلم دانشمندان برخاسته از آسیای مرکزی متعلقند. کلّ این آثار به زبان فارسی نگارش یافته‌اند.

اولین ترجمه و تفسیری که توجه چ. استاری را به خود جلب کرده است، همان کتابی است که علمای ماوراءالنهر با سپارش [سفارش] امیر سامانی ابوصالح منصور ابن نوح (سال‌های حکومتش ۳۵۰-۳۶۶ هجری قمری مطابق به ۹۶۱-۹۷۶ میلادی) به قلم آورده‌اند. استاری تذکر داده است که این ترجمه و تفسیر آغازی بر سنت تفسیرنویسی و ترجمه‌ی کلام الهی به زبان فارسی است. بعداً مضمون مقدمه‌ی ترجمه‌ی تفسیر طبری را، که برای اهل تحقیق معلوم و آشکار است، به طور اجمال بیان کرده، در سال

۱۳۲۱ هجری (مطابق ۱۹۰۳ میلادی) در ۳۰ مجلد در قاهره به طبع رسانیدن اصل عربی آن را یادآور شده است.<sup>۳</sup>

مهمترین فضیلت «کتب قرآنی» که به قلم چ. استاری تألیف شد، آن است که این دانشمند انگلیسی همه‌ی نسخه‌های توصیف و توضیح داده را خود زیر دست داشته است، یا حدّ اقلّ عکس آن‌ها را با کمک دوستان و همکاران صاحب شده بود. این دانشمند به ترجمه و تفسیرهای قرآنی عصر ۴-۵ هجری همچون قدیم‌ترین یادگار خطّی، توجّه ویژه ظاهر کرده است. از روی خلاصه [نتیجه‌گیری]های او معلوم می‌شود که بیشتر ترجمه و تفسیرهای قرآنی دوره‌ی مذکور در ایران شرقی، یعنی خراسان و ماوراءالنهر تألیف شده‌اند.

به این گروه تفسیر قدیمه‌ی معروف به «تفسیر کمبریج»، تفسیر معروف به «قرآن پاک»، تفسیر «بصائر یمینی»، همچنین دو تفسیر قدیمه‌ی ناشناخته، یعنی مجهول المؤلف را نسبت داده است. چ. استاری نسخه‌ی سال ۶۲۸ هجری (۱۲۳۱ میلادی) کتابت شده‌ی «تفسیر کمبریج» را معرفی کرده، یادآور شده است، بعد «ترجمه‌ی تفسیر طبری» دوّمین تفسیر قدیمه و خیلی ارزشمند است. ترجمه و تفسیرهای دیگری که در فهرست چ. استاری به گروه تراجم و تفاسیر قدیمه منسوبند، در عصرهای ۵-۶ هجری نوشته شده، نسخه‌های محفوظ آن‌ها غالباً در سده‌ی هفتم هجری کتابت شده‌اند.

بخش دیگر ترجمه و تفسیرهای قرآنی قدیم، همان کتاب‌های ارزشمندی می‌باشند که مؤلف آن‌ها معلومند. چ. استاری به این بخش کتب قرآنی نیز دقّت و توجّه خاص ظاهر کرده است. به این بخش تفاسیر زیرین

تعلق دارند:

۱. «انیس المریدین و روضه المحبین» تألیف ابونصر احمد ابن احمد ابن نصر بخاری. تفسیری است از سوره‌ی یوسف، که سال ۴۷۵ هجری (۸۳-۱۰۸۲ میلادی) انجام یافته است. این تفسیر از ۴۰ مجلس عبارت است و در آن نکته‌های ظریف سوره‌ی یوسف توضیح داده شده است. مؤلف تفسیر به کتاب خود، داستان پیامبران را از حضرت آدم (ع) تا خاتم‌الانبیا محمد مصطفی (ص) ضمیمه کرده است که آن «تاج القصص» نام دارد. چ. استاری نسخه‌ی منحصر به فرد آن را که در کتابخانه‌ی بانکی‌پور نگهداری می‌شود، معرفی کرده است.

۲. «تفسیر زاهدی» تألیف ابونصر احمد ابن حسن ابن احمد سلیمان بخاری معروف به زاهد یا زاهدی. این تفسیر در نسخه‌های خطی دیگر با نام‌های «لطائف التفسیر» و «جوهر النفیس» نیز شناخته شده است.<sup>۴</sup> کار تألیف این تفسیر سال ۵۱۹ هجری (۱۱۲۵ میلادی) در بخارا سامان یافته است. نسخه‌های خطی آن در کتابخانه‌های بانکی‌پور، مشهد، رامپور، پیشاور، تهران، سنت پترزبورگ، مدینه، قازان نگهداری می‌شوند.

مؤلف «تفسیر زاهدی» را گاه با نسبت «درواجکی» یا «دروازکی» نیز یاد کرده‌اند که احتمال می‌رود مولود او در ناحیه درواز بخارای شرقی واقع افتاده، بعد تحصیل علوم در بخارا و سکونت در این شهر با عنوان بخاری یا بخارایی شهرت یافته است.

۳. «تفسیر بصائر یمینی» تألیف محمد ابن محمود نیشاپوری. مؤلف تفسیر اگر چه متولد نیشاپور است، بیشتر عمر خود را در دربار غزنویان گذرانیده است و تفسیرش را نیز به یمین الدوله بهرام‌شاه غزنوی بخشیده است. این کتاب با عنوان «بصائر التفسیر» نیز شناخته شده است. تألیف آن سال ۵۷۷ هجری (۱۱۸۱-۸۲ میلادی) پایان یافته است. محمد ابن محمود همچنین «غرر السیر» ثعالبی را به زبان فارسی ترجمه کرده است. صاحب دیوان اشعار و منظومه‌ی «تیر و قلم» می‌باشد.

۴. «زاد المذکرین» تألیف محمد ابن حسین ابن فضیل ابن واعظ معروف به جمال ساجی. زمان مدیدی در غزنه و سمرقند روزگار به سر برده است. «زاد المسافرین» تفسیری است که در آن آیتهای برگزیده‌ی «قرآن کریم» تفسیر شده‌اند. مجموع آیتهای تفسیرشده را در این کتاب چ. استاری ۵۸ آیه شمار کرده است. از روی اطلاعات مرقوم در فهرست چ. استاری محمد ابن حسین یا جمال ساجی بعد تصرف غزنه به دست سپاهیان مغول، مهاجرت اجباری اختیار کرده است.

بخش دیگر تفسیرها که چ. استاری در شناسایی به خرج داده است [در معرفی آنها زحمت کشیده]، به قلم پیشوایان طریقت نقشبندیه تعلق دارند. این طریقت در ماوراءالنهر تشکل یافته، بعداً در سایر کشورهای اسلامی گسترش پیدا کرد.



محمد ابن محمد ابن محمود حافظی معروف به خواجه محمد پارسا (متوفی به سال ۸۲۲ هجری مطابق به ۱۴۲۰-۱۴۲۱ میلادی) از پیشوایان این طریقت است که برای تألیف کتابی علی حده در شرح و بیان مضامین قرآنی اقدام کرده است. او در سال ۸۲۰ هجری (۱۴۱۷-۱۴۱۸ میلادی) در تفسیر دو جزء آخر «قرآن کریم» کتابی نوشت که با نام «تفسیر محمد پارسا» معروف است.

چ. استاری همچنین دو تفسیر دیگر را با نام‌های «تفسیر ثمانیه» و «مقدمه التفسیر» به این مؤلف منسوب می‌داند. «تفسیر ثمانیه» از نامش هم پدیدار است که به تفسیر آیت‌های هشت سوره‌ی «قرآن کریم» بخشیده شده است که سوره‌های ۹۷ تا ۱۰۱، یعنی از سوره‌ی «علق» تا سوره‌ی «همزه» به آن منسوبند.

«مقدمه التفسیر» رساله‌ی کوچکی است در تفسیر و بیان سوره‌های «قدر» و «بینه». چنین به نظر می‌رسد که «تفسیر ثمانیه» و «مقدمه التفسیر» بخشهای از کتاب اول، یعنی «تفسیر محمد پارسا» است که از جانب علاقه‌مندان انتخاب و نسخه‌نویسی شده است.

دیگر از پیشوایان طریقت نقشبندیه یعقوب ابن عثمان ابن محمود ابن محمد چرخ‌ی معروف به خواجه یعقوب چرخ‌ی است (متوفی به سال ۸۳۸ هجری (۱۴۳۴-۱۴۳۵ م.) که مقبره‌اش در شهر دوشنبه زیارتگاه خاص و عام است. به قلم او کتابی به عنوان «تفسیر یعقوب چرخ‌ی» تعلق دارد. تفسیر خواجه یعقوب چرخ‌ی از تفاسیر کامل «قرآن کریم» نیست.

مؤلف در کتاب خود سوره‌ی «فاتحه» و سوره‌های دو جزء آخر این کتاب الهی را از دیدگاه عرفای نقشبندی تفسیر کرده است.

تفسیر یعقوب چرخ‌چی شهرت زیادی در حوزه‌های درسی آسیای مرکزی و هند و پاکستان پیدا کرد. نسخه‌های خطی این تفسیر در کتابخانه‌های لندن، قاهره، پیشاور، بانکی‌پور، علیگره، مدینه، پاریس، لاهور، تاشکند، دوشنبه، قازان، سنت پترزبورگ، کابل و جای‌های دیگر محفوظند. این تفسیر در پیشاور (سال ۱۸۶۸)، لاهور (سال ۱۸۸۰، ۱۸۸۵، ۱۸۸۹)، بمبئی (سال ۱۸۸۰)، مشهد (سال ۱۹۰۸)، لکهنو (بدون ذکر سال نشر) به طبع رسیده است. سال‌های آخر بارها در پاکستان، ایران، افغانستان و تاجیکستان تجدید چاپ شده است. بعضی نشرهای آن یک‌جایه با حاشیه‌ی مولوی ولی‌محمد قندهاری بر تفسیر یعقوب چرخ‌چی به طبع رسیده‌اند. تفسیر یعقوب چرخ‌چی سال ۹۹۳ هجری (۱۵۸۵ میلادی) به قلم شخصی به نام حاجی همدانی، به زبان ترکی چغتایی ترجمه شده است.

باز یک تفسیر دیگر فارسی که در عهد خاندان تیموری تألیف شده است و در «کتب قرآنی» چ. استاری جایگاه ویژه دارد، موسوم به «تفسیر مصنفک» یا «تفسیر محمدیه» می‌باشد. این تفسیر از آثار علاءالدین علی ابن محمد هروی (۸۰۳-۸۷۵ هجری) می‌باشد. مؤلف تفسیر به سبب آن‌که از آغاز جوانی تألیفات زیاد داشت، با نظر داشت صغر سن، او را مصنفک لقب کرده‌اند. اسم کامل تفسیر او را چ. استاری چنین ثبت کرده است: «کتاب الشفا فی تفسیر کلام الله المنزل من السماء». تفسیر علاءالدین علی هروی با

سپارش محمدخان دوم تألیف شده است، بنابراین با عنوان «تفسیر محمدیه» نیز شناخته شده است. به قلم این مفسر همچنین کتاب‌های فارسی «انوار الاحداق»، «حدایق الایمان»، «تحفه السلاطین»، «شرح شمسیه» تعلق دارند.

دو تفسیر دیگر مختصر که در پیرامون آن‌ها چ. استاری اظهار نظر کرده است، به قلم شاعر و واعظ معروف عصر ۹ هجری معین‌الدین ابن شرف‌الدین حاجی محمد فخری هروی منسوبند که یکی «تفسیر سوره‌ی فاتحه» و دومی «تفسیر سوره‌ی یوسف» نام دارند. چ. استاری از نسخه‌های «تفسیر سوره‌ی فاتحه» همان‌هایی را که در کتابخانه‌های بانکی‌پور، تهران، پیشاور محفوظند، معرفی کرده است.

نسخه‌ی خطی «تفسیر سوره‌ی یوسف» در نسبت تفسیر اول به درجات بیشترند. چ. استاری به معرفی ۱۶ نسخه‌ی خطی آن اکتفا کرده، در باره‌ی چاپ‌های «تفسیر سوره‌ی یوسف» اطلاعات دیگری فراهم آورده است. بر مبنای آن معلوم می‌شود که «تفسیر سوره‌ی یوسف» تألیف فخری هروی در تهران (سال ۱۸۶۱)، لاهور (سال ۱۸۷۳، ۱۸۸۹)، لکهنو (سال ۱۹۰۲) به زیور طبع آراسته شده است.<sup>۶</sup>

فخری هروی از جمله‌ی شاعران و دانشمندان نامور عهد خود محسوب می‌شد، به قلم او آثار ارزشمندی به زبان‌های عربی و فارسی نوشته شده‌اند، که «بحر الدرر»، «معارض النبوة»، «تذکره‌ی الخواتین»، «ردائف الاشعار»، «هفت کشور» و دیوان اشعار از جمله‌ی آن‌ها هستند. از کتاب‌های نامبرشده «بحر الدرر» تفسیری است به زبان عربی.<sup>۷</sup>

فخری هروی تصمیم گرفته بود، تفسیر جامعی با نام «حدائق الحقایق» به زبان فارسی بنویسد.

با این مقصد به جز تفسیر سوره‌های فاتحه و یوسف، که ذکرشان گذشت، برای بزرگ‌ترین سوره‌ی «قرآن کریم»، یعنی سوره‌ی بقره نیز تفسیر ویژه‌ای به قلم آورد<sup>۱</sup>، ظاهراً از سبب مشکلات زندگی شخصی نتوانست آن را به انجام برساند.

دیگر از چهره‌های درخشان فنّ ترجمه و تفسیر «قرآن کریم» کمال‌الدین حسین ابن علی واعظ کاشفی می‌باشد. این دانشمند نامی با دربار امرای تیموری به ویژه وزیر دانشمند آن امیر علی‌شیر نوایی ارتباط قوی داشت. از همین سبب کتاب «جواهر التفسیر لتحفه الامیر» را چنان که از نامش هم پدیدار است، به امیر علی‌شیر نوایی تقدیم کرده است. این کتاب با نام «تفسیر زهراوین» نیز معروف است. تفسیری است از سوره‌های فاتحه، بقره، آل عمران، نساء (تا آیه‌ی ۸۴). در فهرست چ. استاری ۲۷ نسخه خطی آن ذکر گردیده است.

حسین واعظ کاشفی در دوام سال‌های ۸۹۷-۸۹۹ هجری (۱۴۹۱-۱۴۹۳ میلادی) تفسیر دیگری با نام «مواهب علیّه» به قلم آورده، آن را نیز به امیر علی‌شیر نوایی تقدیم کرده است. این کتاب با نام «تفسیر حسینی» مشهور است و بارها در قطع رحلی در مطبعه‌های آسیای مرکزی و هند به طبع رسیده است. چ. استاری در خصوص نشرهای این تفسیر، که در کلکته (سال ۱۸۳۱)، لکهنو (۱۸۷۱، ۱۸۷۴، ۱۸۸۸، ۱۸۹۶)، دهلی (۱۸۷۷ و ۱۸۸۷)، اگره

(۱۸۹۱)، کانپور (۱۸۹۵) صورت گرفته است، خبر داده است.

«تفسیر حسینی» در آسیای مرکزی شهرت کم نظیری پیدا کرد، در بسیاری از خانواده‌ها تا روزگار ما نسخه‌های خطی و چاپی آن را حفظ کرده‌اند. در مراکز نسخ خطی کشورهای این منطقه نیز نسخه‌های قلمی و چاپی «تفسیر حسینی» بیشتر به نظر می‌رسند.

بعد از بین رفتن دولت تیموریان و تسلط یافتن اقوام ترک‌زبان شیبانی، اشترخانی و منغیتی در آسیای مرکزی و تضعیف روابط فرهنگی و سیاسی با کشورهای دیگر، رو به تنزل نهادن مراکز علمی و ادبی به چشم می‌رسد که تأثیر آن را در کار تألیف و تدوین کتب جامع تفسیری به روشنی می‌توان دید. بعد عصر ۹ هجری در این منطقه تفسیرهای جامع و مؤثر در فن تفسیرنگاری عرض هستی نکردند. بدون تردید، سنت‌های دیرینه و علمی و فرهنگی در این منطقه باقی ماند، اما یک دوره‌ی کم‌حاصل و ضعیف شده را از سر می‌گذرانید.

چ. استاری کوشش کرده است تعدادی از ترجمه و تفاسیر مختصر و کتب دیگر قرآنی این دوره‌ی تاریخی را از نظر بیرون نیندازد، زیرا اگر چه تعداد آن‌ها چندان زیاد نیست، به حیث حجّت اساسی در باب جایگاه معین داشتن علوم قرآنی در آن دوران سخت، مفید خواهند بود. در این دوره تفاسیر مختصر زیرین نوشته شده‌اند:

۱. سال ۹۷۳ هجری (۱۵۶۶ میلادی) محمد ابن درویش محمد بخاری، تفسیری به سوره‌ی اخلاص نوشت که «رساله در ترجمه و بیان

فضایل خاص سوره‌ی اخلاص» نام دارد. این رساله به شخصی به نام شیخ قاسم تقدیم شده است. نسخه‌ی منحصر به فرد آن در انستیتوی [پژوهشگاه] خاورشناسی سنت پترزبورگ نگهداری می‌شود.

۲. نورالدین محمد واعظ، تفسیری بر آیه‌ی الكرسی به قلم آورده و آن را به شاه شیبانی عبدالله خان (سال‌های حکمرانی‌اش ۹۹۱-۱۰۰۶ هجری) بخشیده است. این تفسیر مختصر نیز نسخه‌ای نادر و یگانه دارد که در کتابخانه‌ی ایندیا آفیس محفوظ است.

۳. «تفسیر شاه» تألیف شاه‌محمد ابن عبدالمحمد ابن سلطان ابن علی بدخشی معروف به ملّاشاه بدخشی. ملّاشاه بدخشی (۹۹۲-۱۰۶۹) از جمله دانشمندان و سخنوران معروف قرن ۱۱ هجری می‌باشد که سفر هند اختیار کرده، بیشتر عمر خود را در آن‌جا به سر برده است. او در دربار شاه‌جهان و دارا شکوه؛ سلاطین معروف خاندان مغولان هند، آبروی و اعتبار زیادی کسب کرد. «تفسیر شاه»، کتابی است که در آن سوره‌های فاتحه، بقره، آل عمران و یوسف به زبان فارسی شرح و بیان شده‌اند. نسخه‌های خطی آن در کتابخانه‌های ایندیا آفیس، بانک‌پور، کلکتّه، رامپور محفوظند.

۴. «اکسیر فی اصول التفاسیر» تألیف سید ابوطالب محمد صدیق‌خان بخاری. از دانشمندان و منشیان نامور قرن ۱۳ هجری بود که در دربار شاه‌جهان‌بیگم تا به درجه‌ی وزارت رسید. «اکسیر» مقدمه‌ای است به زبان فارسی بر تفسیر عربی این مؤلف به عنوان «فتح البیان فی مقاصد القرآن».

۵. «احسن القصص» تألیف حاجی عبدالله بخاری. از نامش پیداست که تفسیری است بر سوره‌ی یوسف. نسخه‌ی نادر و ظاهراً یگانه‌ی آن در مدینه نگهداری می‌شود.<sup>۹</sup>

۶. «تفسیر سوره‌ی قدر» نگارش ابراهیم درویش بخاری، که آن نیز نسخه‌ی منحصر به فرد دارد و در کتابخانه‌ی ایاصوفیه محفوظ است.<sup>۱۰</sup>

۷. «تفسیر سوره‌ی نباء» تألیف عبد الرحیم سمرقندی (متوفی به سال ۱۰۱۸ هـ/ ۱۶۱۰ میلادی). تفسیری است بر سوره‌ی اول جزء سی‌ام «قرآن کریم». چ. استاری نسخه‌ی محفوظ در کتابخانه حمیدیه را ذکر کرده است.

نتیجه‌گیری مهمی که از «کتب قرآنی» چ. استاری به دست می‌آید، جز این نیست که علوم قرآنی در حوزه‌های علمی آسیای مرکزی جایگاه ارجمند داشته و فرزندان این دیار پیوسته کوشش کرده‌اند در این زمینه آثار ماندگار به قلم آرند. به جز ترجمه‌ها و تفاسیر که شرح تعدادی از آنها در بالا نوشته شد، کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری در این منطقه به قلم دانشمندان فارسی‌زبان نوشته شد و در سایر کشورهای فارسی‌گو و جای‌های دیگر انتشار یافت.

چ. استاری از جمله‌ی آن کتب و رسایل، تعدادی را با ذکر مؤلفان و اگر اطلاعی داشت با ذکر زمان تألیف و چگونگی نسخ خطی آنها به کتاب خود وارد کرده است. مهم‌ترین آنها را در پایان فهرست‌وار ذکر می‌کنیم:

۱. «تراجم الاعاجم» تألیف زین‌الدین محمد ابن ابوالقاسم بقالی خوارزمی (متوفی به سال ۵۶۲ هجری). فرهنگ نامه‌ی قرآنی است که در قرن ششم هجری نوشته شده است.

۲. «المستخلص» تألیف حفیظ‌الدین ابوالفضل محمد ابن محمد ابن نصر بخاری (متوفی به سال ۶۱۵ هجری). این کتاب هم فرهنگ‌نامه‌ی «قرآن کریم» است. تلخیص این کتاب با نام «ترجمان القرآن» در فهرست‌های دیگر مذکور است.<sup>۱۱</sup>

۳. «المبسوط و المضبوط فی القرائت السبع» تألیف شریف محمد ابن محمود ابن محمد ابن احمد ابن علی سمرقندی (متوفی به سال ۵۵۶ هجری). این کتاب از ۳ بخش عبارت است، بخش اول به زبان فارسی، دو بخش آخر به زبان عربی نگاشته شده است.

چ. استاری هم‌چنین کتاب‌های «الملتقات» و «رساله در اختلاف ابوبکر ابن عباس و حفص در قرائت» را به این مؤلف منسوب دانسته است.<sup>۱۲</sup>

۴. «زلّة القاری» تألیف نجم‌الدین ابوحفص عمر ابن محمد نسفی (متوفی به سال ۵۳۷ هجری). کتابی است در قواعد قرائت کتاب الهی. به قلم همین مؤلف کتاب «القند فی معرفت علمای سمرقند» تعلق دارد که کتابی است معروف.

۵. «قواعد القرآن» نوشته یارمحمد ابن خداداد سمرقندی، که دارای ۱۲ باب است و به عبیدالله خان شیبانی (سال‌های حکومتش ۹۴۰-۹۴۶ هجری) تقدیم شده است.

۶. «ریاض الابرار» تألیف محمدصادق ابن عبد الباقي ابن عزالدین فرغانی، که در قرن دهم هجری روزگار به سر برده است. «ریاض الابرار» کتابی است در قواعد تلاوت «قرآن» که دارای ۱۸ باب (روضه) می‌باشد.



۷. «نجاه القاری» تألیف میر سیدعلی ابن میر سیدمحمد ختلائی مشهور به میر مجنون. او این کتاب خود را به پادشاه هند اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۹ هجری) تقدیم کرده است.

۸. «زبدۀ القرائه» تألیف قیام‌الدین محمد بخاری، که سال ۱۱۸۲ هجری انجام یافته است.

۹. «رساله در ترتیل» تألیف ابولمکارم محمد زندوی بخارایی، سال تألیفش پیش از ۹۳۰ هجری است.

۱۰. «تحفه الخاقان فی رسم القرآن» تألیف محمدنعیم بدخشی. رساله‌ای است در قواعد رسم الخط «قرآن کریم».

این‌جا ذکر اسناد را در باره‌ی ارزش فهرست چ. استاری قطع کرده، در انجام این بررسی اجمالی ترجمه و تفسیر و کتب قرآنی تألیف شده به قلم فضلالی آسیای مرکزی تذکر دادن دو نکته‌ی دیگر را حتمی می‌دانیم، زیرا صرف نظر کردن از آن‌ها منظره‌ی اصلی رونق و رواج علوم قرآنی را در این منطقه از نظر اهل دانش دور خواهد داشت.

نکته‌ی اول آن است که تعداد ترجمه‌ها و تفاسیر و کتب قرآنی در ایران شرقی به درجات بیشتر از آن مقداری است که چ. استاری در فهرست خود آورده است. سبب اصلی آن است که در زمان استاری بسیاری از نسخه‌های خطی شناسایی نشده بودند و زمان معینی لازم بود که فهرست‌های جامع به میان آیند. امروزه با وجود رشد و گسترش داده‌های الکترونیکی و به عرصه‌ی تحقیق وارد شدن رایانه‌های مدرن تا کنون نسخه‌های قلمی [نسخ خطی] کتب قرآنی متعلق به کتابخانه‌های شخصی به آن فهرست‌های جامع

وارد نشده است.

نکته‌ی دیگر آن است که صدها جلد کتب قرآنی دیگر به زبان عربی و به زبان اهالی ترک‌زبان این منطقه به قلم دانشمندان قرآن‌شناس نوشته شده‌اند که اطلاعات ما را در باره‌ی پیدایش و رواج و گسترش قرآن‌پژوهی در حوزه‌های علمی آسیای مرکزی تکمیل می‌نمایند.

## پی‌نوشت و منابع:

۱. مؤلف این مقاله ۸ جلد اول این کتاب را (جلد ۸، تهران، ۱۳۷۴، انتشارات «نشر قبله») استفاده کرده است.

۲ Ч. Стори, Персидская литература, ч. ۳, Москва, Наука, саф. ۱۳۲۸-۱۳۹۳.

۳. چ. استاری، همان، ج. ۱، صص. ۹۹-۱۰۳.

۴. چ. استاری، همان، ج. ۱، صص. ۱۰۸-۱۰۹.

۵. چ. استاری، همان، ج. ۱، ص. ۱۱۵.

۶. چ. استاری، همان، ج. ۱، صص. ۱۲۵-۱۲۶.

۷. چ. استاری، همان، ص. ۱۲۶.

۸. چ. استاری، همان، ص. ۱۲۶.

۹. چ. استاری، همان، ص. ۱۸۲.

۱۰. چ. استاری، همان، ص. ۱۹۲.

۱۱. چ. استاری، همان، ص. ۲۰۰.

۱۲. چ. استاری، همان، ص. ۲۱۱.